

بر وین اعتماد می

در طاریخ اد بیات هزار ساله ایران ذنان سخنود بسیارند.

اما بر وین اعتماد می با استطاعت شکوفان و آندهای زرف
پسر دوستا نه خود توانست مظالم بزرگترین شاعر ^{آمیز} ایرانی را بدست
بیاورد و این بکی از موافقتهای اد بیان صور می باشد.

بر وین اعتماد می اگر قنایا بر وین فرماید که فردی با این رفتار
اکتفا ^{نمیکرد} بلطف امروز بر وین ما نبود. چنین که با این نهگی جا و نه
باشند نزد یکی و صدمیت پیکرا شی است که نسبت به گفتنا م توین و دید اتفاقا ده
توین انسانهای سخنگو و کار آفرین میهن خود دارد.

این هنر منه پسر دوست برای این مظلوم و فواید این عده
اجتماع میور و دشکایی است - رنجها و آرزوهای آنان را بازبان افسونگر
نمی بینند ^{دلاعی}. بر وین ما فند نشان ماهری بوده همان ^{هر چند} نگار و نگه
و شم اندکی از زنگی و طرز کار مودم و سخنگو ^{ایران و ای} پیش هشتم ما جسم میکند
تصویر درست و روشن وضع کار و توصیف ^د لین حالات پیکولوز بک بر سازها
طوری است که گاه ما میتوانیم حق خروکت هایها و خلط و صورت آنها
را به پیشیم - بدون آنکه همچو این موره چیزی بگوید.

بر وین اعتماد می قنایا به نشان دادن رنج و بد پنهان انسانهای سخنگو
اکتفا نمیکند - بلکه همه را نه ^{آنکه} اینجا می آنرا جمیعیت میکند - تاراج
اغنیا سرچشید پنهان نمی رساند. ممکن است بر وین راه حل درست و علمی
^{برخی از} سائل اجتماعی را تا آخر نواخته و بیرون می دارد اما بجز حال انتراض
و اتفاقا دیگر امانت اداره مللم و فساد و بی عذر اتفاقا نیز فراوان است.

کیست که اطمانت «کودک یعنی» - «اندوه فلک» - «تفهم و فوکو»

تفهم ^{نمی} خوش بین «بلکه تصور هم آنقدر ای از زندگی ذنان سخنگو است بخواند
و به بر وین آفرین نگوید؟

بودین افتسا من میتوانی اجتما عن را به شک قطعه و بطریز خنا ظریه
بیان میکند این سبک و بزرگ تحریری است.
حوك و دینا نمیخواهد که در پصن قطعا تبودین موجود است چنان
اما کنی را داری که بشك نباشد کوتا و بکهوده ای روی صحنه آورده شود.
نمایر گاه وان نر تغییر داده که مواد اجتماعی لذت ایان کلاسیک بوده
پکار میگیرد "بلبل و مرد" - "مرغ و ما می" - "کوه و سنگ" - "کو با من و
الله" - "دام و دند" - "و تبره تغییره هاشی است که آسودنگ ذنده کی مها صر
دایره.
بودی دارند یا بی اهمیت بودین افتسا من بسیار لام
وسود مند است.

والله

مسکو - ۱۱ شهریور ۱۹۹۷